

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

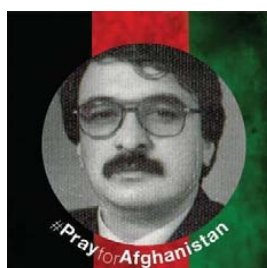
www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

داکتر محمد کریم فارغی-استرالیا
۲۸ اگست ۲۰۲۱



داکتر محمد کریم فارغی

وقتی جایگاه خود را ندانیم!

در مدت شانزده سال از غیابتم از وطن پنج بار به وطن رفتم و هر بار با همصنفان و همکاران دید وادید نمودم. هر بار تلاش کردم دیدگاه خودم را در مورد آنچه انجام می دهند و آنچه که باید انجام دهند، با آنها شریک کنم. همواره ها و همکارانم تا سطح وزیر و معین و دایرکتر بودند. آنها کمتر علاقه می گرفتند نظری را بشنوند و یا حوصله تحلیل وضعیت را داشته باشند. هرکدام تلاش می کردند وقت گذرانی کنند و از پرداختن به مسائل جدی و کاری خودداری کنند.

برای من که از بیرون از کشور می آمدم، استقامت و تمایل ویکتور کار خوبتر از کسانی که در داخل بودند قابل شناخت بود. به یاد دارم که شاید هشت سال قبل یکی از همکاران دوران مهاجرت را که معین یکی از وزارت ها بود در دفتر کارش ملاقات کردم. از چشم دید خود در مورد پاره ای از امور در مسافت دو باز دیدم برایش یاد آور شدم و خاطر نشان ساختم که ما به عقب روان هستیم و فرصت ها می رود که ضایع گردد. او ناراحت شد ولی نخواست توضیح بدهم با چه معیار ها این نتیجه گیری را کرده ام. او شخص آرام و بی ادعائی بود و هرگز قدمه های بالائی را با ابتکار و نوآوری در کار ناراحت نمی کرد. به قدمه های پائینی من حیث مادون می دید و اجرای اوامر را بدون کم و کاست فرض شان می دانست. او بیشتر تفکر یک سرباز را داشت با آن که سابقه منصبداری داشت. پس از آن ملاقات او علائقش را با من قطع کرد.

سایر دوستانم نیز دست کمی از این دوست نداشتند. بار ها به رخم می کشیدند که در وزارت صحت بیش از شصت ماستر و PhD صحت عامه وجود دارد که همه چیز را به بهترین شکل اداره می کنند. در حالی که خوب می دیدم که چنان نبود

حال دیدیم که آنچه نوشته بودند در یخ بود و حتی متخصصان و دانشمندان ما آدم های برفی بودند که با گرم شدن اقلیم همه آب شدند و اثری از آن نوشته ها و قواره ها باقی نماند ...

من پوره مطمئن بودم که اقلأ در بخش صحت برای اجرای بهتر امور می شد ابتکار و نو آوری کرد و در چوکات های ارائه شده توسط دوزر ها روح تازه تری دمید .

ما همه مسؤول هستیم و جوابده، زیرا ما خود را مالکین نه بلکه پارتنر های پروژه دیگران می دانستیم.....